

## زائران خانه خدا آگاه باشید!



رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فراجا گفت: زائران عزیز به هیچ عنوان بار یا وسیله‌ای را به صورت امانت برای انتقال و تحویل به افراد ثالث در خارج از مرز ایران از کسی قبول نکنند. سردار ایرج کاکاوند با هشدار به زائران حج اظهار داشت: پلیس برابر قانون از ادامه سفر زائرانی که حتی به مقادیر بسیار اندک مواد مخدر، دارو و قرص‌های غیرمجاز و ممنوعه حمل می‌کنند ممانعت به عمل آورده و با تشکیل پرونده قضایی آنها را به دستگاه قضایی معرفی می‌کند.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فراجا در این باره گفت: با آغاز موسم حج و سفر هموطنان به عربستان به منظور صیانت و پیشگیری از وقوع هرگونه رویداد ناخوشایند برای زوار، لازم است اجرای برخی از هشدارها مورد توجه قرار بگیرد. پلیس از یک سو با هدف صیانت از عزت و اعتبار هموطنان و از سوی دیگر با هدف پیشگیری از عواقب بسیار شدید برای حاملان مواد مخدر به کشورهای دیگر به ویژه عربستان نسبت به حمل مواد مخدر توسط افراد حتی به مقدار کمتر از یک گرم حساسیت بالایی دارد و در صورت مشاهده با چنین مواردی برابر قانون و با قاطعیت برخورد می‌کند.

این مقام ارشد انتظامی در ادامه با اشاره به توانمندی‌های عملیاتی، اطلاعاتی و فنی پلیس در کشف هرگونه مواد مخدر جاساز شده توسط مجرمان اظهار کرد: کارکنان مجرب پلیس با استقرار در فرودگاه‌های محل عزیمت مسافران به عربستان و بهره‌گیری از تجهیزات فنی پیشرفته، دستگاه‌های موادیاب و نیز چهره‌زنی و رصد و بازرسی وسایل همراه زائران، از قابلیت بسیار بالایی در شناسایی متهمان و کشف جاسازهای مواد مخدر برخوردار است.

وی در ادامه به قوانین بازدارنده جمهوری اسلامی ایران در حمل و نگهداری مواد مخدر توسط زائران اشاره کرد و گفت: با استناد به ماده ۱۷ قانون مبارزه با مواد مخدر، اگر از زائر انواع مواد مخدر یا روانگردان به هر میزان کشف شود، ضمن جلوگیری از ادامه سفر و توقیف گذرنامه فرد خاطی، در مرحله اول به مدت یک تا پنج سال و در مرحله دوم پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان توقیف و ممنوع‌الخروج خواهند شد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به حبس‌های طولانی مدت و جریمه‌های سنگین نقدی حمل‌کنندگان داروهای ممنوعه و غیرمجاز توسط زائران به مقصد عربستان اشاره کرد و گفت: حمل داروهایی که حاوی مقادیری مواد مخدر هستند براساس قوانین عربستان جرم محسوب شده و در صورت کشف، ضمن ممانعت از ادامه سفر زائر، برای رد پرونده قضایی تشکیل و به مراجع قضایی معرفی می‌شود.

سردار کاکاوند ادامه داد: چنانچه ضرورت دارد فرد بیمار به دلیل وجود سابقه بیماری داروی خاصی را در طول سفر به عربستان مصرف کند می‌تواند با مشاوره با پزشک معالج خود، از او بخواهد داروهای جایگزین را که در کشور میزبان ممنوعه نیستند برای وی تجویز کند تا مشکل این افراد حل شود. بنابراین همراه داشتن نسخه و پرونده درمانی می‌تواند برای پیگیری بیماری در عربستان مؤثر باشد. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فراجا در پایان با آرزوی بهره‌مندی زوار از فیوضات این سفر معنوی گفت: از آنجا که یکی از شگردهای قاچاقچیان انتقال مواد مخدر توسط افراد ناآگاه است بنابراین هموطنان عزیز به هیچ عنوان بار یا وسیله‌ای را به صورت امانت برای انتقال و تحویل به افراد ثالث در خارج از مرز ایران از کسی قبول نکنند.

## قتل همسر با خوراندن قرص میگزین

۲۹ آبان سال ۱۳۹۸ راز یک پرونده جنایی در یکی از بیمارستان‌های غرب تهران آشکار شد. آن روز سجاد همسرش زهرا را به بیمارستان برد و ادعا کرد که زنش به دلیل مصرف قرص ناشناسی مسموم شده. تلاش‌های کادر درمان آغاز شد اما موفق نبود و زهرا جان خود را از دست داد. سجاد مدعی شد زهرا با خوردن قرص برنج که از عطاری خریده جان داده. او آن قدر ضدونقیض حرف زد که باعث شک مأموران شد. سجاد بازداشت شد و گفت او همسرش را وادار کرده قرص برنج بخورد. وقتی پلیس علت این کار را از او پرسید، گفت: «زندگی خوبی داشتیم اما مدتی بود به مواد مخدر معتاد شده بودم. چند ماهی می‌شد که با دختر جوانی به نام شهین آشنا شده بودم و قصد داشتیم با او ازدواج کنیم. به همین خاطر اول تصمیم به جدایی از همسرم گرفتیم اما وقتی مخالفت کرد، نقشه قتلش را کشیدیم. همسرم مدتی بود سردردهای میگرنی داشت. به همین خاطر دنبال داروی گیاهی برای درمان سردردهایش می‌گشت. با خرید قرص برنج از عطاری، آن را پودر کردم و داخل کپسول ریختم و روی میز آشپزخانه گذاشتم. همسرم که فکر کرده بود همان قرصی است که برای درمان میگرنش خریده آن را مقابل چشمان من خورد. بلافاصله پشیمان شدم و گفتیم باید قرص را بالا بیاورد اما او قبول نمی‌کرد. او را وادار به استفراغ کردم. زهرا از رفتارم متعجب شده بود. به دروغ گفتیم قرص بوی بدی داشته و به آن مشکوکم. همان موقع به عطاری رفتم تا دارویی برای خنثی کردن قرص برنج پیدا کنیم ولی مرد عطاری گفت چنین دارویی وجود ندارد. سپس همسرم را با آمبولانس به بیمارستان بردم و مدعی شدم او داروی اشتباهی خورده. پزشکان معده همسرم را شست‌وشو دادند و او را به اتاق عمل بردند اما در اتاق عمل جان سپرد». این مرد به قصاص محکوم و چندی قبل اعدام شد.

## قتل برادر با چکش

بهمن سال ۱۴۰۲ مردی به یکی از کلاتری‌های تهران رفت و گفت یکی از دوستانم به نام متین مدتی است مفقود شده و خانواده‌اش از او خبر ندارند. تلفن همراهش نیز خاموش است. با ثبت شکایت و تشکیل پرونده در دادسرای ناحیه ۲۷ (امور جنایی- ویژه قتل)، تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ وارد عمل شدند و در اولین قدم از سازمان پزشکی قانونی و بیمارستان‌ها استعلام گرفتند اما ردپایی به دست نیاوردند. خانواده متین به پلیس گفتند او مجرد و در یک تعمیرگاه کامیون مشغول کار بوده و با یکی از برادرهای خود به نام مسعود اختلافات ملکی به ارزش ۴۰۰ میلیارد تومان داشته. همین موضوع باعث شک پلیس شد. پلیس با بررسی فنی و مخابراتی متوجه شد روزی که تلفن همراه متین خاموش شده، با مسعود در اسلامشهر قرار داشته. همین امر باعث دستگیری مسعود شد. مسعود وقتی با شواهد پلیس روبه‌رو شد، در اعترافاتش گفت: «چند سال پیش یک زمین ۳۰۰۰ هکتاری خریدیم که قیمت آن ۸۰۰ میلیارد تومان بود. این اواخر به خاطر اجاره خانه به شدت دچار مشکلات مالی شده بودم و پیشنهاد دادم زمین را بفروشیم اما برادرم قبول نمی‌کرد. بنابراین دچار اختلاف شدیم. روز حادثه با او در تعمیرگاه قرار ملاقات گذاشتم که با یکدیگر بحث کردیم. در یک لحظه چکشی را که روی میز قرار داشت برداشتم و یک ضربه به سرش وارد کردم. مسعود روی زمین افتاد و فوت شد».

## کشتن همسر با سیم برق

سال ۱۳۹۸ مردی با وصل کردن سیم برق همسرش را کشت و بعد خانه را به آتش کشید تا راز جنایتش فاش نشود. قربانی نوجروسی بود که مراسم عروسی‌اش قرار بود ۲۰ روز دیگر برگزار شود. روز بعد از حادثه، قاتل برای گمراه کردن پلیس، جسد همسرش را همراه با لوازم خانه به آتش کشید و سپس با آتش‌نشانی تماس گرفت. پلیس وقتی به صحنه رسید با مشاهده آرامش عجیب مرد جوان به او مشکوک شد و تحقیقات را آغاز کرد. مرد جوان گفت: «۲۰ روز به ازدواج مان مانده بود و همسرم مدام بهانه می‌آورد و می‌گفت لباس و ماشین عروس باید گران قیمت باشد. از این رفتار خسته شده بودم اما او را دوست داشتم و مدام کوتاه می‌آمدم. خانواده‌اش به شهرستان رفته بودند و تنها بودیم. مشغول حرف زدن بودیم که دوباره دعای مان شد. از شدت عصبانیت، دستگاه برقی را که مربوط به کارم بود برداشتم. یک سمت آن را به سه‌راهی زیر تخت‌خواب زنم زدم و طرف دیگر را که سیم بدون عایق بود برداشتم و سمت بدنش گرفتم و از شدت عصبانیت ۱۰ ثانیه آن را به بدنش چسباندم که بی‌هوش شد. وقتی به خودم آمدم دیدم فوت کرده. نمی‌دانستم با جسدش چه کنم. با صحنه‌سازی ملحفه را رویش انداختم و بعد لپ‌تاپ و سیم آن را روی جسد گذاشتم و کبریت زدم که آتش سوزی از تخت شروع شد. به پارکینگ آمدم و مشغول جمع‌آوری وسایل شدم تا کسی به من شک نکند اما با بررسی‌های پلیس به دام افتادم».

